

سرمایه اجتماعی مساجد و انقلاب اسلامی ایران

(مطالعه موردی شبکه اجتماعی مسجد هدایت)

محمد سمیعی*

حنیف عموزاده مهدیرجی**



چکیده

وضعیت سیاسی یک کشور پس از وقوع انقلاب، تقابل نیروهای سیاسی رقیب برای کسب قدرت، و چگونگی برتری یک گروه بر رقیبان، از جمله بحث برانگیزترین و جذاب‌ترین مباحث در حوزه علوم سیاسی است. انقلاب اسلامی ایران نیز در این میان مستثنی نیست. به اذعان بسیاری از تحلیل‌گران، سرمایه اجتماعی به وجود آمده در شبکه اجتماعی مساجد ایران توانست در انقلاب اسلامی نقش مهمی را ایفا کند و این نقش ادامه یافت تا منجر به

* عضو هیئت علمی دانشگاه تهران (m.samiei@ut.ac.ir)

** دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (hamoozadeh@ut.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۹

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره چهارم، پاییز ۱۳۹۳، صص ۷۳-۱۰۲

برتری روحانیت به عنوان یک نیروی سیاسی بر دیگر رقبای خود در وضعیت خلأ قدرت سیاسی پس از انقلاب شد. این مقاله با استفاده از روش تحلیل شبکه اجتماعی برای سنجش میزان انباشت سرمایه اجتماعی در شبکه اجتماعی مساجد، یک مطالعه موردی در مورد مسجد هدایت تهران انجام داده است. در این راستا با کمک نرم افزار NodeXL الگوی ارتباطی میان فعالان سیاسی این مسجد ارائه شده و در پایان، نقش شبکه این مسجد در پدید آمدن امکان هنجارسازی با محوریت روحانیت که در نهایت منجر به برتری سیاسی این گروه شد، تبیین شده است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، شبکه اجتماعی، انقلاب اسلامی ایران، شبکه مساجد، مسجد هدایت، روحانیت، قدرت



مقدمه

طرح مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از اشکال مختلف سرمایه در ادبیات جدید حوزه علوم اجتماعی رشد چشمگیری داشته است، اما ارتباط این مفهوم با مقوله قدرت به عنوان مهم ترین مؤلفه اثرگذار در سیاست تا حدی پوشیده بوده و همچنان مبهم باقی مانده است. بررسی رابطه این دو مؤلفه با یکدیگر در شرایط انقلاب های سیاسی می تواند در تبیین چگونگی این ارتباط مؤثر واقع شود؛ زیرا پس از هر انقلاب، نوعی خلأ قدرت سیاسی پدید می آید و میزان سرمایه اجتماعی یک گروه می تواند عامل تعیین کننده ای برای برتری سیاسی آن گروه باشد.

به طور کلی، انقلاب با رویکردی دولت محور عمدتاً به عنوان کنشی سیاسی با ماهیتی سلبی نسبت به نظام سیاسی حاکم در یک کشور تعریف می شود (فوران، ۱۳۸۲: ۲۸). چگونگی و چرایی شکل گیری کنش انقلابی میان شهروندان داخل یک ساختار اجتماعی و سیاسی، همواره پدیده ای مهم و جذاب برای تحقیق و انجام کارهای پژوهشی در حوزه علوم سیاسی تلقی می شود. انقلاب اسلامی ایران نیز مستثنی نبوده و مانند سایر انقلاب ها نظر پژوهشگران را به خود جلب کرده است و طبعاً آثاری که درباره آن به نگارش درآمده از تنوع دیدگاه و غنای قابل تحسینی برخوردار است. برخی پژوهش ها، وقوع انقلاب اسلامی ایران را در قالب نظریه توسعه نامتوازن، و عده ای دیگر این انقلاب را واکنشی نسبت به فرایند مدنیزاسیون و یا پدیده ای طبیعی و نشان دهنده تضاد ذاتی در الگوی اقتصادی سرمایه داری تلقی می کنند. همچنین برخی از پژوهشگران، انقلاب اسلامی ایران را یک طرح ارزشی و نیازی مذهبی از سوی انقلابیون عنوان کرده اند. (زیباکلام، ۱۳۸۷: ۹۸-۶۶). اما در میان آثاری که به انقلاب پرداخته اند، کمتر به بحث چگونگی نهادینه شدن قدرت

سیاسی پس از انقلاب توجه شده است. به عبارت دیگر، پرداختن به این مسئله که چرا یک نیروی اجتماعی و سیاسی خاص توانست سیستم سیاسی جدیدی را به وجود آورد و دیگر نیروهای رقیب خود را کنار زند، جایگاهی حاشیه‌ای در ادبیات علمی موجود درباره انقلاب اسلامی ایران دارد. بسیاری از آثار منتشر شده در این زمینه به بررسی چگونگی تسلط گفتمانی بر گفتمان دیگر در فضای پس از انقلاب می‌پردازند و چرایی چیرگی یک گفتمان بر گفتمان دیگر را در قالب بافت و فضای انقلابی کشور دارای معنا دانسته و معتقدند، گفتمان مسلط به مطالبات انقلابیون پاسخ مؤثرتری داده است (Vahdat, 2003: 599-631).

اما پژوهش حاضر با تأکید بر عنصر سرمایه اجتماعی نگاهی ساختارگرایانه به پدیده مذکور دارد؛ از این نظر که ساختارها جدای از تحولات، به بقای خود ادامه خواهند داد. اساساً هنگامی که یک محقق ادعا می‌کند که توانسته است به ساختاری دست یابد، در متن کلام خود بیان می‌دارد که یک پیوستگی زمانی را کشف کرده است که استقلال نسبی از کنشگران دارد (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۶۷). مقاله حاضر نشان خواهد داد که ساختارهای اجتماعی منسجم و غیردولتی در وضعیت پیش از انقلاب، می‌توانند عملکردی اثرگذار در تکوین سیستم سیاسی جدید پس از وقوع انقلاب داشته باشند. البته این مقاله نقش مهم کارگزاران در شکل دادن به این ساختارها را انکار نمی‌کند و چنان‌که تحقیقات روش‌شناختی به‌خوبی نشان داده‌اند، اذعان می‌دارد پدیده‌های اجتماعی معمولاً در تعامل بین ساختار و کارگزار تبلور می‌یابند (توحیدفام و حسینیان امیری، ۱۳۸۸)، ولی تمرکز این مقاله بیشتر بر تبیین یک عامل مهم ساختاری است.

یکی از مهم‌ترین ساختارهای فعال و مستقل از حاکمیت در فضای سیاسی کشور پیش از انقلاب اسلامی، شبکه مساجد است. در جریان انقلاب، مساجد در سراسر کشور به اصلی‌ترین مکان برای فعالیت سیاسی انقلابیون تبدیل شدند که همین مسئله باعث شد تا همانند یک حزب سیاسی (و چه بسا فراتر از آن) بتوانند در تکوین سیستم سیاسی جدید، نقشی محوری داشته باشند. البته نقش منحصر به فرد مساجد در کشورهای اسلامی و به‌ویژه در جامعه ایران توجه

صاحب نظران زیادی را به خود جلب کرده است. جان اسپوزیتو^۱ و ژیل کپل^۲ در موارد متعددی از تحلیل‌های خود بر اهمیت این نقش تأکید داشته‌اند و این نکته را به خوبی نشان داده‌اند که در کشورهای اسلامی که معمولاً از فقدان آزادی بیان رنج می‌برند و مطبوعات و رسانه‌ها و همچنین احزاب سیاسی هیچ‌گاه توان خودنمایی و ایفای نقش مؤثر را پیدا نمی‌کنند، این مساجد هستند که به عنوان منسجم‌ترین شبکه اجتماعی مستقل از دولت ایفای نقش می‌کنند (Esposito, 1999: 114). این کارکرد سیاسی مساجد را می‌توان در قالب فنون تحلیل شبکه بررسی کرد که در واقع روش اصلی پژوهش کنونی است.

درواقع، سرمایه اجتماعی موجود در شبکه‌های اجتماعی مساجد در وضعیت خلأ قدرت سیاسی پس از انقلاب به‌عنوان مؤلفه‌ای هنجارساز عمل کرده و در تکوین الگوی توزیع قدرت و شکل‌گیری نظام سیاسی جدید نقش مهمی را بازی کرده است. در این مقاله پس از مروری بر عملکرد سیاسی مساجد شهرستان‌های کشور پیش از وقوع انقلاب، به بررسی موردی عملکرد مسجد هدایت به‌عنوان یکی از سیاسی‌ترین مساجد شهر تهران می‌پردازیم. این ارزیابی را براساس اسناد منتشرشده ساواک توسط «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» با به‌کارگیری روش تحلیل شبکه انجام می‌دهیم، و سپس ضمن ارائه مدلی از الگوی ارتباطی فعالان سیاسی مسجد هدایت، به تحلیل چگونگی کارکرد سیاسی شبکه اجتماعی این مسجد می‌پردازیم. پیش از ورود به بحث، ابتدا تاریخچه تکوین و بسط مفهوم سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با شبکه‌های اجتماعی را مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهیم.

۱. پیشینه پژوهش

سرمایه اجتماعی که یکی از موضوعات جدید در حوزه علوم اجتماعی محسوب می‌شود، به مجموعه منابع مادی و معنوی اطلاق می‌گردد که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم‌و‌بیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل را شکل دهد (Kepel, 2006: 65). بحث سرمایه اجتماعی در دهه‌های ۱۹۳۰ و

1. John Esposito

2. Gilles Kepel

۱۹۶۰ نخستین بار در قالب رویکردهای ساختارگرایانه مطرح شد؛ همان‌گونه که دورکیم جامعه را گردهمایی اتم‌های جدا از هم تصور نمی‌کرد و معتقد بود اعضا از طریق گسترش پیوند میان خودشان متحد می‌شوند (فیلد، ۱۳۸۸: ۲۹). اما شکل امروزی بحث سرمایه اجتماعی ریشه در دهه ۱۹۹۰ دارد. پیش از دهه ۱۹۹۰ نگاه کلی به بحث سرمایه اجتماعی بیشتر ماهیتی انتقادی داشت، به‌گونه‌ای که پی‌یر بوردیو^۱ مفهوم خشونت نمادین را مطرح کرد و نقش نمادها را در بازتولید اجتماعی سلطه بررسی کرد. وی معتقد بود، از طریق نظام آموزشی^۲ ارزش‌های طبقاتی یک طبقه (طبقه مسلط) بر دیگر طبقات دیکته می‌شود. در واقع افراد برای کارایی نیاز به تخصص فراگیر نداشته و هرچقدر بتوانند عادت‌واره‌ها^۳ را بهتر به میدان^۴ منتقل کنند، دارای سرمایه فرهنگی (فیلد، ۱۳۸۸: ۲۶) بیشتری هستند و همین موضوع است که موجب کسب اعتبار بیشتر برای فرد یا گروه مربوطه می‌شود (مارشال، ۱۳۸۸: ۲۴۳-۲۴۲).^(۱) استفاده از استعاره سرمایه فرهنگی برای نشان دادن این واقعیت است که چگونه ذائقه فرهنگی باعث کسب منزلت یک گروه در مقابل دیگر گروه‌های اجتماعی می‌شود (Lin, 2004: 29).

پس از بوردیو، کلمن^۵ به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد آموزشی نوجوانان کاتولیک و مقایسه وضعیت آموزشی دانش‌آموختگان مدارس دولتی و خصوصی میل پردازد. در واقع کلمن مبتکر مفهوم سرمایه اجتماعی در حوزه مطالعات علوم اجتماعی قلمداد می‌شود. وی بر نقش ارتباطات به‌عنوان عامل اصلی در انباشت اعتبار برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی تأکید دارد و این مسئله از دو جنبه حائز اهمیت است: اینکه چگونه یک ساختار می‌تواند امکانات را برای اشخاص فراهم کند؛ و در مقابل، فرد، مطرح است که در قالب ارتباطات کسب اعتبار می‌کند. در نهایت وی سه شکل از سرمایه اجتماعی را در قالب تکالیف و

-
1. Pierre Bourdieu
 2. Pedagogic
 3. Habitués
 4. Field
 5. James Samuel Coleman

انتظارات، مجاری اطلاعاتی و هنجارهای اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهد (Lin, 2004: 31). هم‌راستا با آثار بوردیو و کلمن، تحقیقات بسیاری معطوف به نقش سرمایه اجتماعی در شغل‌یابی انجام شده است. در این زمینه پائولو باربیه‌ری^۱ رابطه سرمایه اجتماعی و بیکاری را مورد بررسی قرار می‌دهد. خوداشتغالی و پایدارسازی مشاغل از دیگر بحث‌های مورد توجه وی محسوب می‌شوند (کلمن، ۱۳۸۹: ۹۱-۴۱).

بحث سرمایه اجتماعی محدود به حوزه‌های علمی جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی باقی نمانده است. رابطه سرمایه اجتماعی و میزان جرائم خیابانی مورد توجه بسیاری از محققان حوزه جرم‌شناسی نیز بوده است. به‌عنوان نمونه فلیشر^۲ به بررسی شبکه جرائم خیابانی میان نوجوانان پرداخته است (Barbieri, 2003: 681-701). بحث سرمایه اجتماعی در کشورهایی با میزان جرائم بالا تا به حال محور توجه بوده است. کشورهای مثل کلمبیا و هندوراس با به‌کارگیری تحلیل شبکه اجتماعی در شناسایی و مهار میزان جرائم، موفق عمل کرده‌اند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که مناطقی با سرمایه اجتماعی بالاتر شاهد میزان وقوع جرم کمتری بوده‌اند (Fleisher, 2005: 120-134). البته بحث سرمایه اجتماعی فقط دربرگیرنده جنبه‌های مثبت در بهبود کنترل اجتماعی نیست. تحقیقات نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی انباشته‌شده در روسیه پس از فروپاشی شوروی سبب شکل‌گیری شبکه‌های مافیایی گسترده‌ای در این کشور شده است که تاحدی روند توسعه و رشد اقتصادی کشور روسیه را دچار مشکل کرده‌اند (Cuesta, 2009: 37-56).

در حوزه علوم سیاسی و رابطه سرمایه اجتماعی و قدرت، آثار کمتری منتشر شده است. مهم‌ترین بحث مطرح‌شده در این حوزه توسط پاتنام^۳ ارائه شده است. وی که استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد است، توانست با نگارش کتاب «بولینگ الون» (بولینگ به‌تنهایی)^۴ مفهوم سرمایه اجتماعی را وارد ادبیات علمی علوم سیاسی

-
1. Palo Barbieri
 2. Mark Fleisher
 3. Robert David Putnam
 4. Bowling Alone

کند. وی در این کتاب پرسشی را مبنی بر اینکه چرا نرخ مشارکت در انتخابات امریکا کاهش یافته است، مطرح می‌کند. او می‌پرسد: «عموم کسانی که رأی نمی‌دهند چه کسانی هستند و دلایل عدم مشارکت آنها در انتخابات چیست؟» در پاسخ پرسش بالا، پاتنام ضمن موجه دانستن دلایل شخصی و جمعی، شکاف نسل را دلیل اصلی کاهش میزان مشارکت شهروندان امریکایی تلقی می‌کند. به اعتقاد وی، این شکاف نسل سبب گسست در دانش سیاسی دو نسل متفاوت امریکا (نسل جوانان پیش و پس از سال ۱۹۷۰) شده است؛ به گونه‌ای که در سال ۱۹۶۵ میزان مطالعه روزنامه در میان امریکایی‌ها $\frac{3}{5}$ بوده است که این رقم پس از ۱۹۹۰ به $\frac{1}{3}$ کاهش یافته است. همچنین نرخ پیگیری اخبار از طریق تلویزیون در امریکا در سال‌های ذکرشده به ترتیب از ۵۲ درصد به ۴۱ درصد کاهش یافته است که این مسئله نیز نشان‌دهنده فروکش کردن سطح مشارکت مدنی در جامعه امریکا است. در ادامه وی تأکید دارد که شکاف نسلی صرفاً سبب کاهش دانش سیاسی امریکایی‌ها نشده است، بلکه میزان اطلاع شهروندان آن کشور درباره تروریسم، تحولات اقتصادی در جهان، مشکلات در حوزه حمل و نقل، تصادف‌های هوایی و مرگ‌ومیر جاده‌ای نیز در حال افت و کاهش محسوسی بوده است. پاتنام به شکلی کنایه‌آمیز بیان می‌دارد که دیگر عمر روزنامه‌ها به پایان رسیده است و امروزه این موسیقی رپ است که به ایفای نقش اطلاع‌رسانی در جامعه می‌پردازد. همچنین او ضمن نقد ساختار کنونی جامعه امریکا، مرگ انجمن‌ها، باشگاه‌ها و نهادهای جامعه مدنی را در آینده نزدیک محتمل می‌داند (Gilbert, 2009: 57-74).

پاتنام سرمایه اجتماعی را در سه واژه شبکه اجتماعی، اعتماد و هنجارسازی خلاصه می‌کند. او معتقد است، دموکراسی امریکا که مورد تحسین آلکسی دو توکویل بود، امروزه در ورطه نابودی قرار دارد که دلیل و چرایی این مسئله از بین رفتن انجمن‌ها عنوان شده است. از نظر وی انجمن‌ها همان نقش شبکه‌های اجتماعی منسجم و پویایی را در جامعه امریکا ایفا می‌کنند که در درون خود دارای عناصری چون اعتماد و هنجارسازی هستند. اما امروزه رواج شبکه‌های مجازی

باعث نابودی پایه‌های جامعه امریکایی شده و مسئله تولید و بهره‌وری آنها را به چالش کشیده است (Putnam, 2001: 33-39). پاتنام برای این تغییر چهار دلیل را ذکر می‌کند: پراکندگی مدنی، مشغولیت کامل، سرگرمی‌های الکترونیکی و مجازی و مهم‌تر از همه تغییر نسل که به اعتقاد وی سبب کاهش نرخ مشارکت مدنی و سیاسی جوانان امروزی در جامعه امریکا شده است (Lin, 2004: 32-43). در مورد میزان مشارکت سیاسی و عوامل تأثیرگذار بر آن مطالعات روزنستون، هانسن، وربا و نای^۱ نیز راهگشا است (فیلد، ۱۳۸۱: ۶۱-۶۰).

در حوزه‌های علوم کاربردی همچون سیاست‌گذاری، مارسدن^۲ و همکارانش نقش سرمایه اجتماعی را در بهبود عملکرد سیاست‌گذاری بهداشتی و پزشکی مطرح کردند. آنها نشان داده‌اند که چگونه سرمایه اجتماعی به وجود آمده در یک شبکه می‌تواند جلوی شیوع برخی از بیماری‌های واگیردار را بگیرد. همچنین کار کردن در قالب شبکه سبب افزایش بهره‌وری سیستم‌های خدمات بهداشتی و درمانی می‌شود (Verba and Nie, 1972 (Rosenstone and Hansen ;1993).

یکی از مسائل مورد توجه محققان علوم سیاسی، نقش سرمایه اجتماعی در وضعیت مهاجران و آوارگان است. درباره اهمیت مقوله آوارگی و مهاجرت و نقش آنها در زندگی سیاسی جوامع به‌ویژه صنعتی آثار زیادی منتشر شده است. لوییس ریان^۳ و همکارانش نشان می‌دهند که چگونه مهاجران لهستانی ساکن در لندن به کمک شبکه اجتماعی لهستانی‌های مقیم لندن توانسته‌اند برچسب معضل اجتماعی بودن را از روی خود برداشته و در راستای کاریابی، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و بهبود اوضاع زندگی خود بهتر از دیگر مهاجران خارجی شهر لندن عمل کنند (Malley & Marsden, 2008: 222-269).

اما در حوزه صلح و پایان منازعات، سرمایه اجتماعی نقش مؤثرتری ایفا کرده است. تحقیقات روبرتو بلونی^۴ نشان می‌دهد که چگونه سازمان‌های غیردولتی در

1. Steven Rosenstone, John Hansen, Sidney Verba, Norman Nie

2. Peter Marsden

3. Louise Ryan

4. Roberto Belloni

ایرلند شمالی توانسته‌اند صلح را به این کشور بازگردانند (Ryan, 2008: 672-690). همچنین میشل کاکس^۱ مدعی است که سرمایه اجتماعی یکی از عوامل مهم در کاهش میزان خشونت تظاهرات به وقوع پیوسته در شرق اروپا حد فاصل ۲۰۰۱-۱۹۹۹ بوده است. وی بیان می‌دارد که طی ۲۲ شورش رخ داده در شرق اروپا، سرمایه اجتماعی، جهت‌گیری سیاسی تظاهرات‌کنندگان، وضعیت اقتصادی کشور و اندازه شهرها در میزان خشونت به کاررفته میان تظاهرات‌کنندگان اثرگذار بوده‌اند (Belloni, 2009: 5-21).

پرسشی که آثار مطرح‌شده به آن نمی‌پردازند، نقش سرمایه اجتماعی در کنش سیاسی علیه سیستم سیاسی در شرایط انقلابی و همچنین میزان تأثیر آن در تکوین سیستم سیاسی جدید، پس از وقوع انقلاب است. اگرچه چنان‌که اشاره شد، تحلیل‌گرانی همچون اسپوزیتو و کیل نقش شبکه اجتماعی مساجد را در انقلاب اسلامی ایران مورد توجه قرار داده‌اند، ولی تاکنون این نقش با استفاده از مدل‌های تحلیل شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار نگرفته است. پژوهش کنونی به دنبال پاسخ به این مسئله است که چگونه یک نیروی اجتماعی توانست پس از وقوع انقلاب سیستم سیاسی یا به تعبیری نظم سیاسی مطلوب خود را (با وجود مخالفت گروه‌های رقیب) برقرار سازد. ادعای مقاله این است که شناخت مفهوم سرمایه اجتماعی می‌تواند روشنگر این مسئله باشد. باید در نظر داشت که سرمایه اجتماعی می‌تواند از راه‌های مختلفی ایجاد شود، اما در نهایت در قالبی ساختاری و هنجاری نمود می‌یابد (Cox, 2009: 22-36). بنابراین قابلیت هنجارسازی که جزء عناصر درونی شبکه‌های اجتماعی توسط پاتنام معرفی شد، می‌تواند در وضعیت خلأ قدرت، وظیفه نظم‌سازی در جامعه را برعهده بگیرد. در این راستا، به نقش مساجد کشور پیش از انقلاب و چگونگی پدید آمدن اعتماد و هنجارسازی درون شبکه فعالان سیاسی مساجد، ضمن مطالعه موردی یکی از تأثیرگذارترین مساجد پرداخته خواهد شد.

۲. عملیاتی‌سازی پژوهش

اگر ادعا شود که سرمایه اجتماعی بدون شبکه‌ها قابل تصور نیست، ادعای بی‌اساسی

1. Michaelene Cox

نخواهد بود. اما منظور از شبکه اجتماعی چیست؟ شبکه را می‌توان در یک نگاره منفرد به‌عنوان توده‌ای از کنش‌های متقابل بین بسیاری از مردم که در مکان و زمان متفاوت صورت می‌گیرد توصیف کرد. آنچه در این کنش متقابل اهمیت دارد این است که چه کسی با چه کسی ارتباط دارد و الگوی میان آنان چیست؛ زیرا الگوی ارتباطی در جریان اطلاعات تأثیرگذار است (Reimer & et al, 2008, 256-274). از سویی دیگر، مطالعات انجام‌شده در حوزه تحلیل شبکه‌های اجتماعی به دو بخش مطالعات تمام‌شبکه^۱ و خودمحور^۲ تقسیم می‌شود. در مطالعات تمام‌شبکه، الگوی ارتباطی میان شیء و یا کنشگرانی که موضوع مطالعه هستند، در سطح کلان و در قالب یک مجموعه اجتماعی بررسی می‌شود، درحالی‌که در رویکرد خودمحور، شیء یا کنشگر اصلی یا کانونی در قالب یک خوشه^۳ یا شبکه محلی بررسی می‌گردد. ولی در هر دو بخش مطالعاتی، الگوی نهایی در قالب گراف‌ها نمایش داده می‌شود (بروگمن، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۱). در پژوهش کنونی از الگوی خودمحور برای بررسی کارکرد سیاسی مساجد پیش از انقلاب اسلامی ایران استفاده شده است. بر همین اساس، کارکرد سیاسی مساجد در شهرستان‌ها و تهران، به کمک نمونه موردی مسجد هدایت، بررسی خواهد شد.

۲-۱. مساجد شهرستان

تا آنجا که اطلاعات در دسترس اجازه می‌دهد، جامع‌ترین آمار مربوط به مساجد و اماکن مذهبی در کشور مربوط به سال ۱۳۷۵ است. طبق گزارش مرکز آمار ایران در قالب طرح «تهیه شناسنامه برای اماکن مذهبی و مساجد کشور»، در این سال حدود ۷۸/۹۰۸ مکان مذهبی در سراسر کشور وجود داشته که ۵۷/۶۳۵ مورد آن (تقریباً ۷۳ درصد) را مساجد تشکیل داده است. همچنین این آمار نشان می‌دهد که در کل کشور ۲۵۶/۶۱۰ نفر نیروی انسانی در مساجد کشور فعالیت می‌کردند که از این تعداد، استان خراسان (که امروزه به سه استان تقسیم شده است) ۱۲/۹ درصد

-
1. Whole Network
 2. Ego-centric
 3. Cluster

نیروهای انسانی فعال در مساجد کشور را در خود جای داده است (Carrington, Scott & Wasserman, 2005: 24-26).

مساجد از دیرباز نقش‌های اجتماعی متعددی را در جوامع اسلامی برعهده داشته‌اند. در جهان تشیع نهاد مسجد دارای کارکردهای متنوعی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، آموزشی و اخلاقی بوده است و همچنان این کارکردها را دارا می‌باشد^(۲). اما در این پژوهش بیشتر کارکرد سیاسی مساجد مدنظر قرار گرفته است. در این راستا، اسناد منتشرشده ساواک توسط «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» مورد کنکاش قرار گرفته است. از میان ۲۵۰ سند مورد بررسی، آماری به شرح زیر -جدول شماره ۱ و ۲- به دست آمده است:

جدول شماره (۱). توزیع فراوانی مساجد به نسبت مرکز و شهرستان‌ها

منطقه/واحد گزارش دهنده	فراوانی نسبی به درصد
واحد مرکز	۶۰/۸٪
واحد شهرستان‌ها	۳۹/۲٪

جدول شماره (۲). توزیع فراوانی مساجد شهرستان‌ها به نسبت شهرهای قم و مشهد

نام شهرستان	فراوانی نسبی به درصد
قم	۳۹٪
مشهد	۳۲٪
دیگر شهرستان‌های کشور	۲۹٪

لازم به ذکر است که اسناد منتشرشده ساواک بیشتر معطوف به وعاظ و روحانیون بوده است. به‌عنوان نمونه ۹/۲ درصد اسناد، مربوط به شخص «حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ محمدتقی فلسفی» است. با توجه به اعداد مندرج در جدول، می‌توان ادعا کرد که بیشتر فعالیت‌های سیاسی مساجد شهرستان‌های کشور در شهرهای مشهد و یا قم بوده است. همچنین توزیع اسناد ساواک درباره دیگر شهرستان‌های کشور نیز مربوط به توابع این دو شهر مذهبی است. همان‌گونه که در شکل شماره (۱) مشاهده می‌کنید، تقارنی میان دو شهر قم و مشهد، در زمینه میزان فعالیت سیاسی وعاظ و مساجد شهرستان‌های اطرافشان وجود دارد و محدوده فعالیت سیاسی وعاظ و مساجد کشور از دایره مندرج در تصویر فراتر نمی‌رود (اخلاقی، ۱۳۸۴: ۲۱۶-۲۱۱).

شکل شماره (۱). توزیع مساجد فعال سیاسی در کشور



بررسی چگونگی عملکرد سیاسی این مساجد، هدف اصلی پژوهش کنونی است. بر همین اساس، بار دیگر اسناد منتشرشده ساواک توسط «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» مورد بررسی قرار گرفته است. در این راستا فعالیت سیاسی و عاظ و روحانیون در کنار کارکرد سیاسی مساجد شهرستان‌های کشور مدنظر قرار گرفته است، به‌شکلی که عناوین و فعالیت سیاسی تشخیص‌داده‌شده توسط گزارشگر ساواک به‌عنوان موضوعات مورد بحث دسته‌بندی شده است. عملکرد سیاسی فعالان مذهبی و عاظ در مساجد شهرستان‌های کشور را به سه مورد زیر می‌توان تقسیم کرد که برای نمونه به اسناد شماره ۹۵، ۲۰۴ و ۲۴۹ به‌عنوان نماینده هریک از کارکردهای مذکور، اشاره شده است: ۱. حمل اعلامیه‌ها و نوارهای صوتی امام خمینی و بازنشر سخنان وی^(۳). ۲. سفرهای تبلیغاتی و عاظ در طول ایام تعطیلی حوزه که گاهی جنبه سیاسی به خودشان می‌گرفتند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۴۵۸). ۳. سازمان‌دهی به تظاهرات علیه حکومت که عموماً در حوالی ایام انقلاب صورت می‌گرفته است (سلیمی، ۱۳۸۶: ۳۲۳). بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت، بخش عمده فعالیت سیاسی انجام‌شده در مساجد شهرستان‌های کشور معطوف به امر اطلاع‌رسانی و تبلیغات بوده است. در این مرحله برای درک بهتر شبکه مساجد به مطالعه موردی یکی از مؤثرترین مساجد پایتخت می‌پردازیم.

۲-۲. مسجد هدایت

برخی از مساجد شهر تهران همچون مسجد لرزاده، ارک و قبا جزء فعال‌ترین مساجد سیاسی کشور تلقی می‌شدند. اما در این بین، مسجد هدایت واقع در خیابان جمهوری (اسلامبول سابق)، نزدیک به لاله‌زار، پراهمیت‌ترین آنها محسوب می‌شد. نگارش یک گزارش از این مسجد به‌طور متوسط در هر هفته توسط مأمور ساواک، از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۶، نشان‌دهنده اهمیت سیاسی این مسجد است. این مسجد توسط آیت‌الله طالقانی، چند تن از خیرین و کسبه محل و به کمک برخی از دوستان نزدیک ایشان، همچون مهندس بازرگان بازسازی شد و پس از آن دوباره شروع به فعالیت کرد.

مسجد هدایت محل کافه‌ها و کاباره‌های موجود در آن زمان در شهر تهران بوده و به تعبیری آن محله منطقه‌ای تفریحی در دل یکی از مراکز خرید و فروش شهر (که بافتی سنتی داشته) محسوب می‌شده است. در این میان وجود مسجد به‌عنوان عبادتگاهی برای کسبه محل در منطقه‌ای تفریحی سبب به‌وجود آمدن اختلاف میان رهگذران تلقی می‌شد. به نقل از مهدی طالقانی فرزند آیت‌الله طالقانی، پدر ایشان پس از برعهده گرفتن امامت جمعه مسجد هدایت به‌دنبال چاره‌ای برای مشکل یادشده بوده است. به تعبیر دیگر: «مشتریان سینما و مؤمنان مسجد به چشم مهر به یکدیگر نمی‌نگریستند». بنابراین آیت‌الله طالقانی برای حل این معضل این بیت شعر را بر سردر مسجد نصب کردند:

متاع کفر و دین بی‌مشتی نیست
گروهی این، گروهی آن پسندند (سلیمی، ۱۳۸۶: ۵۱۲)

کارکرد سیاسی این مسجد را می‌توان با بیان چند ویژگی به تصویر کشید. نخست اینکه مسجد هدایت بخش اعظمی از اقشار مردمی را به خودش جذب کرده بود. از یک‌سو پزشکان، مهندسان، دانشجویان، اساتید، روشنفکران و کارمندان به‌عنوان طبقه متوسط جدید شهری، و از سوی دیگر بازاریان و روحانیون به‌عنوان طبقه متوسط قدیم، و همچنین دیگر اقشار مردمی همچون اصناف، ورزشکاران و کارگران در جلسات هفتگی مسجد که پنج‌شنبه‌ها برگزار می‌شد، حضوری فعال داشتند (طالقانی، ۱۳۸۸: ۷۵۸-۷۵۱). ویژگی دوم اینکه اشخاص سیاسی مختلف، از طیف‌ها و احزاب سیاسی متفاوت در جلسات هفتگی مسجد حاضر می‌شدند. از بین اشخاص معروف می‌توان به مهندس

مهدی بازرگان، دکتر علی شریعتی، عزت‌الله سبحانی، اللهیار صالح، محمد حنیف‌نژاد، شهید مطهری، شهید واحدی و طهماسبی، شهید رجایی و علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی اشاره کرد. از سوی دیگر اعضای احزاب متنوعی چون جبهه ملی، نهضت آزادی، حزب ملت ایران، حزب زحمتکشان، حزب نیروی سوم و تشکل‌های دانشجویی همچون انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در مسجد هدایت به فعالیت سیاسی می‌پرداختند (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۹: سندهای شماره ۳۱۶ / ۱۶۱۳ - ۲۷۹۷ / ۳۱۲ - ۴۰۷۹ / ۳۱۲ - ۳۷۰۷۶ / ۲۰ هـ - ۱۴۳۸ / ۳۱۶). سومین ویژگی، عملکرد وسیع سیاسی مسجد هدایت در حوزه اطلاع‌رسانی و بسیج منابع است. جمع‌آوری کمک‌های مردمی برای فقرا یا زلزله‌زدگان، پخش خبر کشته شدن مرحوم تختی، فروش جزوه‌های آموزشی تفسیر قرآن مهندس بازرگان، دعوت به برقراری تظاهرات ضد دولتی که گاهی با ۱۰۰ یا ۲۰۰ نفر انجام می‌گرفت (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۹: سندهای شماره: ۱۳۰۵۱ - ۳۰۲۸۱ / ۲۰ هـ - ۲ - ۳۱۶ / ۳۵۱ - ۳۲۲۹۲ / ۲۰ هـ - ۲ - ۴۳۱۵ / ۳۱۲)، نمونه‌هایی از این موارد محسوب می‌شوند.

این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که کارکرد سیاسی مسجد هدایت به‌عنوان یک مسجد پایتخت قدری متفاوت از مساجد دیگر بوده است. چرایی این مطلب را در سه مؤلفه می‌توان جستجو کرد: ۱. شخصیت متکثر آیت‌الله طالقانی، به‌گونه‌ای که اکثر فعالان سیاسی، چه چپ‌ها و ملی‌گرایان، و چه مذهبیون در مجالس سخنرانی وی حضور داشتند؛ ۲. جغرافیای مسجد هدایت که به‌دلیل نزدیکی به بازار و دانشگاه، مکان مناسبی برای پیوند این دو قشر سنتی و جدید طبقه متوسط را فراهم می‌آورد؛ ۳. پیچیدگی زندگی شهرنشینی جدید در قلب پایتخت، از این نظر که اولاً سبب می‌شد تا مردم برای کسب اطلاعات بیشتر به مساجد روی آورند. دلیل آن نیز این بود که سیستم بسته اطلاع‌رسانی در حکومت پهلوی سبب می‌شد تا شهروندان برای با خبر شدن از وقایع اتفاق‌افتاده به دیگر وسایل اطلاع‌رسانی خارج از اقتدار حاکمیت همچون رادیوهای خارجی و مساجد روی آورند (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۹: سندهای شماره: ۳۱۶ / ۱۲۷۷ - ۳۱۶ / ۱۶۷۱ - ۳۱۶ / ۱۶۷۱ - ۳۲۹۱۷ / ۲۰ هـ - ۲ - ۳۱۱ / ۹۰۱ - ۱۱۰۹۶ / ۱۱۰۹۶ س ت - ۲۶۱۰ - ۳۱۱ / ۹۰۳ - ۳۱۱ / ۹۰۴) ثانیاً

وجود طبقات و اقشار مختلف در شهرهای بزرگ، با ماهیتی جبرآميز لزوم همنشینی با دیگر اقشار و جریان‌های فکری و سیاسی را به شهروندان آن دیکته می‌کند که این خود به غنای شبکه ارتباطی آنان می‌افزاید.

۳-۲. سرمایه اجتماعی مساجد

یکی از وجوه مؤثر بر تولید سرمایه اجتماعی در مساجد، ارتباط مستقیم میان کنشگران فعال در شبکه مساجد است. بر همین اساس، فرض بر آن است که شبکه اجتماعی مساجد به‌عنوان یک شبکه حقیقی‌نه به‌صورت پدیده‌ای مجازی و نمود یافته در فضای وب که در تحولات اخیر جهان عرب موسوم به بهار عربی نقش داشتند- دارای برخی مؤلفه‌های تبیین‌کننده در ماهیت ساختار ارتباطی خود است. از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها می‌توان به دو مفهوم چگالی^۱ و انتقال‌یافتگی^۲ که تفاوت شبکه‌های حقیقی را با شبکه‌های مجازی در تولید سرمایه اجتماعی مشخص می‌سازند، اشاره کرد. منظور از چگالی، میزان شناخت کنشگران از یکدیگر است که در واقع بر میزان اعتماد متقابل آنها تأثیرگذار است. علاوه بر این، اگر «الف» با «ب» و «ب» با «پ» در ارتباط باشد، احتمال و شانس اینکه روزی میان «الف» و «پ» پیوندی برقرار شود، انتقال‌یافتگی نامیده می‌شود (کیا و محمودی، ۱۳۹۰: ۲۱-۱۲). باید در نظر داشت که میزان انتقال‌یافتگی در شبکه‌های اجتماعی حقیقی کمتر از شبکه‌های اجتماعی مجازی است، که این امر در گسترش نیافتن شایعه‌ها، تأثیرگذار است. انتقال‌یافتگی سبب می‌شود تا کنش افراد سریع‌تر به‌وقوع بپیوندد که این امر در وقوع تحولات بهار عربی از اواخر سال ۲۰۱۰ در کشورهای تونس و مصر مؤثر بود (بروگمن، ۱۳۸۹: ۳۸-۳۷). از سویی میزان چگالی در شبکه‌های اجتماعی حقیقی به دلیل اثر مجاورت^۳ میان کنشگران بیشتر است. در معرض قرار گرفتن^۴ یا به تعبیری تماس مستقیم میان کنشگران که در ادبیات تحلیل شبکه با عبارت بسامد تماس شناخته می‌شود، سبب ارزیابی مثبت از یکدیگر شده که این امر افزایش

1. Density
2. Transitivity
3. Proximity Effect
4. Repeated Exposure

اعتماد میان آنها را در پی دارد.^(۴) این اعتماد به وجود آمده در شبکه‌های اجتماعی حقیقی در امر هنجارسازی مؤثر واقع شده و ارزش‌های معطوف به شبکه را متجلی می‌سازد. این گونه است که نظم مطلوب شبکه مساجد کشور توانست در وضعیت خلأ قدرت پس از انقلاب حاکم شود.

۳. ارائه الگو و تفسیر آن

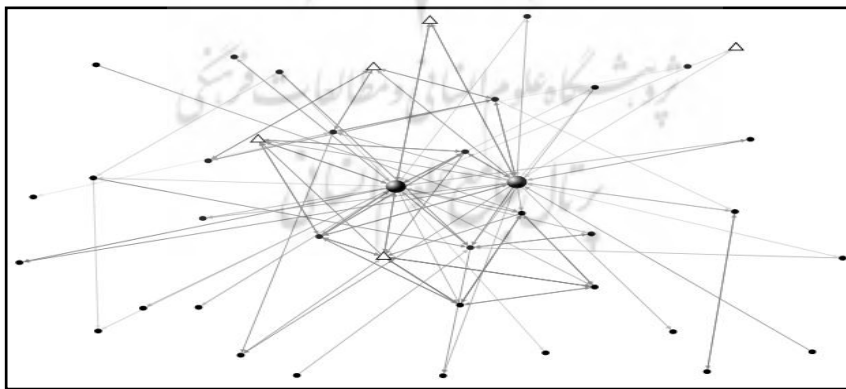
الگوی ارتباطی شبکه فعالان سیاسی مسجد هدایت، طبق الگوریتم فروچرمان^۱ - راینگولد^۲ و به کمک نرم‌افزار NodeXL در شکل شماره (۲) آورده شده است. الگوریتم اشاره شده توسط دو پژوهشگر به نام‌های فروچرمان و راینگولد و به کمک روش ترسیم اسپرینگ^۳ طراحی شده است. این الگوریتم، قابلیت آن را دارد که گراف^۴ شبکه را به صورت مجموعه‌ای از حلقه‌ها و فنرهای مکانیکی نمایش دهد. لازم به ذکر است که در یک شبکه، کنشگران را تارک^۵ و ارتباط آنان را لبه^۶ می‌نامند. در این الگو لبه‌ها شبیه به فنرهایی ترسیم می‌شوند که قابلیت نمایش ارتباط متقابل را داشته باشند. دلیل استفاده از این الگو نیز این است که امکان نمایش مناسب‌تر را برای گراف‌های کوچک‌تر، با تقریباً ۵۰ تارک، فراهم می‌سازد (بارون و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۹۸-۳۹۷).

با توجه به شکل به دست آمده به کمک نرم‌افزار ذکر شده، دو کنشگر کانونی در میان فعالان سیاسی مسجد هدایت، آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان هستند که در کنار سایر کنشگران همچون دانشجویان، بازاریان و کسبه، روحانیون، فعالان سیاسی، اصناف، تشکل‌ها و احزاب سیاسی، شبکه اجتماعی فعالان سیاسی مسجد هدایت را تشکیل داده‌اند. این دو کنشگر که توانسته‌اند بین دانشگاهیان، روحانیون، بازار و احزاب سیاسی اتصال برقرار کنند، در ادبیات تحلیل شبکه، اتصال‌گران شبکه نامیده

1. Fruchterman
2. Reingold
3. Spring
4. Graph
5. Vertex
6. Edge

می‌شوند. بین این دو فرد و سایر کنشگران، مجموعه روابطی به صورت مثلث‌ها و یا اشکالی با سه رأس و دو ضلع پدید آمده است که به آنها سه‌تایی می‌گویند. سه‌تایی‌ها به دو نوع بسته^۱ و باز^۲ تقسیم می‌شوند. در سه‌تایی‌های باز (یعنی اینکه سه رأس وجود دارد و دو ضلع؛ به تعبیری مثلثی هنوز پدید نیامده است. در واقع فرد «الف» با «ب» و «پ» در ارتباط است اما «ب» و «پ» با یکدیگر ارتباطی ندارند) سرمایه اجتماعی برای رأس هرم شکل می‌گیرد، هرچند دو رأس دیگر نیز از رابطه سود می‌برند، اما بیشترین فایده برای یکی از رؤس است. درحالی‌که در سه‌تایی بسته (یک مثلث کامل، جایی‌که هر سه کنشگر با هم در ارتباط هستند) سرمایه اجتماعی تنها میان سه کنشگر انباشته می‌شود و به کنشگران دیگر تسری پیدا نمی‌کند (Harel & Koren, 2001: 183-196). تفاوت این دو نوع سه‌تایی را می‌توان به کارکرد بانک (سه‌تایی باز) و خانواده (سه‌تایی بسته) تشبیه کرد. در مثال بانکداری، بانکدار یا به تعبیری «الف» به دلیل نبودن ارتباط بین کنشگران دیگر، سپرده «ب» را به «پ» وام می‌دهد و از این رابطه صاحب سود می‌شود، بدون اینکه خود «ب» و «پ» به هم دسترسی داشته باشند. اما در یک خانواده، اعتماد میان پدر، مادر و فرزند برای همه اعضا انباشته می‌شود.

شکل شماره (۲). شبکه اجتماعی فعالان سیاسی مسجد هدایت (کنشگر کانونی سمت راست، آیت‌الله طالقانی و کنشگر کانونی سمت چپ، مهندس بازرگان است)



1. Closed Triad
2. Open Triad

برای درک بهتر مطالب بالا، لازم به ذکر است که اتصال‌گران کرانه یک شبکه به کمک مفهوم مرکزیت بینیت^۱ قابل تشخیص هستند. مرکزیت بینیت مفهومی است که نشان می‌دهد بازیگران برقرارکننده ارتباط میان حفره‌های ساختاری^۲ در یک شبکه دارای مرکزیت بیشتری هستند. بازیگری با مرکزیت بینیت بالا، کنشگری است که توانسته میان دو بخش مختلف از شبکه به نحوی ارتباط برقرار کند که در حالت عادی چنین چیزی ممکن نیست؛ یعنی نبود کنشگر سبب نبود ارتباط میان دو بخش شبکه می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۱: ۳۲-۳۰). همچنین منظور از حفره ساختاری همان خلأ به وجودآمده در «تمثیل بانکدار، سپرده‌گذار و وام‌گیرنده» است. در واقع حفره حاصل در اثر عدم ارتباط میان سایر کنشگران در یک شبکه پدید می‌آید. مقدار مرکزیت بینیت به‌طور خام و نُرمال‌نشده، برای آیت‌الله طالقانی عدد تقریبی ۵۸۶/۹ را نمایش می‌دهد. پس از وی مهندس بازرگان بیشترین میزان مرکزیت بین در شبکه اجتماعی فعالان سیاسی مسجد هدایت را دارا است. مرکزیت بینیت مربوط به او مقدار عددی ۴۶۷/۴ را بیان می‌دارد. اما پرسش این است که اعداد بالا چگونه به دست آمده و کاربرد آن چیست؟ پاسخ به پرسش بالا نیاز به تشریح بیشتر شبکه ترسیم‌شده دارد.

شبکه نمایش داده‌شده دارای ۳۷ تارک و ۱۳۰ لبه است و ۶۴ درصد رابط بین تارک به شکل متقابل^۳ و دوطرفه بوده است. همچنین میانگین فاصله ژئودیسک^۴ های شبکه عدد ۲/۲ و حداکثر آن، یعنی قطر^۵ شبکه، ۵ است. لازم به توضیح است که فاصله ژئودیسک، کوتاه‌ترین فاصله میان دو تارک است و میانگین آن، میانگین فواصل میان همه تارک‌های شبکه است. به علاوه، قطر یا حداکثر فاصله ژئودیسک نیز بیشترین فاصله میان دو تارک در یک شبکه، یا به تعبیری فاصله میان دورترین تارک‌ها در یک شبکه است. حال براساس داده‌های بالا و از طریق فرمول زیر

1. Betweenness Centrality
2. Structural Holes
3. Reciprocated
4. Geodesic Distance
5. Diameter

می توان نرخ خام مرکزیت بینیت را محاسبه کرد؛ پس مرکزیت بینیت B برای تارک یا گروه i عبارت است از مجموع نسبت های تعداد ژئودیسک هایی که v را از طریق i به u متصل می کنند $(g_{u,v}(i))$ و همه ژئودیسک هایی که v را به u وصل می کنند بدون آنکه از i گذر کنند $(g_{u,v})$. بنابراین:

$$B = \sum_{u < v} \frac{g_{u,v}(i)}{g_{u,v}} u, v \neq i$$

رقم به دست آمده از طریق تقسیم شدن بر $\frac{1}{2}(n-2)(n-1)$ نرمال خواهد شد. کسر مذکور نشان دهنده حداکثر مسیرهای کوتاه به وجود آمده در شبکه است و در آن n برابر با تعداد کل تارک ها است (Kilduff & Tsai, 2003: 29-30, 139)؛ در نتیجه خواهیم داشت:

$$B_{normalized} = \frac{2 \sum_{u < v} \frac{g_{u,v}(i)}{g_{u,v}}}{(n-2)(n-1)}$$

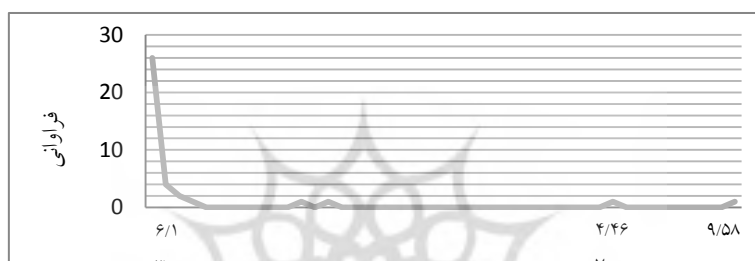
مقدار اولیه رقم مرکزیت بینیت برای آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان به کمک نرم افزار *NodeXL* به دست آمده است؛ اما برای تجزیه و تحلیل بهتر، نمره بهنجار یا همان نرمال شده مرکزیت بینیت مورد نیاز است. بر همین اساس مرکزیت بینیت نرمال، برای آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان به ترتیب اعداد زیر به دست می آید:

$$1) B = \frac{2 \times 586.9}{(37-2)(37-1)} = \frac{1173.8}{1260} = 0.93 \quad , \quad 2) B = \frac{2 \times 467.4}{(37-2)(37-1)} = \frac{934.8}{1260} = 0.74$$

مرکزیت بینیت نرمال، عددی است بین ۰ و ۱ که نزدیکی آن به عدد یک به معنی تأیید نقش واسطه گری و اتصال کنندگی بازیگر یا تارک مورد نظر است. در شبکه اجتماعی مسجد هدایت، آیت الله طالقانی نقش ارتباط دهنده میان گره های موجود در شبکه و پوشش حفره های ساختاری آن را ایفا می کند (با مرکزیت بینیت نرمال ۰/۹۳) و پس از وی مهندس بازرگان (با مرکزیت بینیت نرمال ۰/۷۴) قرار دارد. دیگر کنشگران شبکه، وضعیت بسیار متفاوتی با دو فرد نام برده دارند. برای درک بهتر این مسئله کمک گرفتن از نمودار شماره (۱) لازم به نظر می رسد. نمودار مذکور به شکل تابعی غیر نرمال در آمده است. در واقع شمار و فراوانی تارک هایی که مرکزیت بینیت بالایی دارند، بسیار کمتر از مقادیر خرد به دست آمده برای این شاخص در شبکه است (۲۶ تارک از ۳۷ تارک

موجود در شبکه مرکز بینیت زیر ۱۳/۶ دارند که نمره نرمال شده آن مقدار ۰/۰۲ است). این مسئله نشان می‌دهد، شبکه بالا بر محوریت دو فرد بوده و با توجه به شکل شماره (۲) می‌توان ادعا کرد که ماهیتی ستاره‌ای به خود گرفته است؛ یعنی شبکه، رهبرمحور است و آیت‌الله طالقانی بیش از هر فرد دیگری، با توجه به نرخ مرکزیت بینیت وی، این نقش را برعهده دارد. بر همین اساس می‌توان استدلال کرد که سرمایه اجتماعی وی نیز بیش از دیگر کنشگران فعال در این شبکه است.

نمودار شماره (۱). مرکزیت بینیت در شبکه اجتماعی مسجد هدایت



برای ترسیم الگوی بالا، شناسایی کنشگران کانونی یا به تعبیر دیگر، تارک‌های شبکه، ضروری به نظر می‌رسد. در این راستا پژوهشگران با بررسی گزارش‌های ارائه شده توسط مأموران ساواک درباره فعالان مسجد هدایت، اشخاص مطرح نام‌برده شده در هر سند را به‌عنوان کنشگران شبکه یا همان تارک شبکه مدنظر قرار داده‌اند. در این میان، نام برخی افراد بیش از دیگر فعالان ذکر شده است که از میان اسامی نام‌برده شده، تنها ۳۷ تارک انتخاب شده‌اند. اما لبه یا ارتباط درون‌شبکه‌ای این اشخاص در قالب رابطه ساختاری و تشکیلاتی فرد نام‌برده شده در هر سند با کنشگران کانونی مسجد ترسیم شده است. همان‌گونه که گفته شد، برخی نهادهای اجتماعی همچون احزاب سیاسی، تشکل‌های دانشجویی و یا اصناف و کسبه بازاری بنا بر ارتباط ساختاری خود با کنشگران اصلی مسجد، فعالیت سیاسی خود را سامان می‌بخشیدند. برای نمونه، محمد توسلی، عباس صاحب‌الزمانی و یونس یکتا در بخشی از خاطرات خود به ارتباط ساختاری موجود میان نهضت آزادی، جبهه ملی دوم، انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران با مهندس بازرگان و شخص آیت‌الله

طالقانی اشاره می‌کند (Carrington, Scott & Wasserman, 2005: 24-26). از سویی، بنا بر روایت برخی از فعالان سابق مسجد هدایت، حضور مکرر برخی چهره‌های مشهور روحانیت در مسجد هدایت در کنار حضور اصناف و کسبه بازار به دلیل علاقه آنان به آیت‌الله طالقانی قابل توجه است (امجدی، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۴۳). جایگاه افراد عادی بازار در مسجد هدایت به‌گونه‌ای بوده که حتی در زمان سپری شدن دوران زندان و محکومیت آیت‌الله طالقانی، گاهی یکی از کسبه محل به نام آقای /براهیم موسوی حسینی وظیفه امامت نماز جماعت را برعهده داشتند (امجدی، ۱۳۸۷: ۲۰۰ - ۱۵۹-۱۵۶).

بر همین اساس، و با توجه به پیوند ساختاری انجمن اسلامی دانشجویان، نهضت آزادی و انجمن اسلامی مهندسان با مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی و علقه کسبه بازاری و قشری از روحانیت به آیت‌الله طالقانی، مهندس بازرگان به‌عنوان رابط میان دانشگاهیان (دانشجویان و اساتید فعال در انجمن اسلامی)، و همچنین آیت‌الله طالقانی به‌عنوان رابط میان روحانیت و بازار و ارتباط هر دوی آنان با فعالان سیاسی احزاب ملی‌گرا، پیش‌فرض‌های اولیه مدل در نظر گرفته شده‌اند. در این راستا، فعالان سیاسی چپ، که عمدتاً جوانان فعال در انجمن اسلامی دانشجویان نیز بودند، به‌طور تقریبی مرتبط با هر دو اتصال‌گر کرانه مدل، یعنی مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی، تلقی شدند. این مسئله شامل همه جریان‌های سیاسی چپ نبوده است؛ زیرا عمدتاً فعالان چپ با گرایش‌های اسلامی در جلسات مسجد حضور می‌یافتند (امجدی، ۱۳۸۷: ۱۹۲). با این حال برخی از فعالان سابق حزب توده همچون محمد نصیری نیز در برخی از جلسه‌های مسجد حضور فعال داشتند (امجدی، ۱۳۸۷: ۱۵۵-۱۵۴). همچنین لازم به توضیح است که تمامی پیوندها و تارک‌های ترسیم‌شده در شبکه براساس داده‌های استخراج‌شده از اسناد ساواک بوده و اسناد مذکور توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی به‌صورت عمومی منتشر شده است (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۹: سند شماره ۲۰/۱۰۲۸۹ه).

علاوه بر موارد ذکر شده پیشین، نکات دیگری را نیز برای الگوی ترسیم‌شده

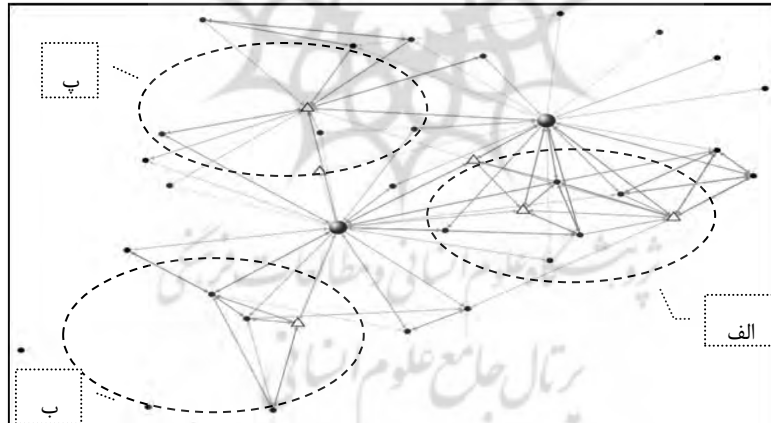
می‌توان عنوان کرد. هرچند شاخص برون‌درجه‌ای^۱ (۲۱ ارتباط) و درون‌درجه‌ای^۲ (۱۷ ارتباط) مهندس بازرگان بیشتر از آیت‌الله طالقانی (۱۴ ارتباط درون‌درجه‌ای و ۱۹ ارتباط برون‌درجه‌ای) است، اما ارتباط مرحوم بازرگان با بخشی از شبکه به شکل غیرمستقیم بوده است. شایان ذکر است که پیوندهای درون‌درجه‌ای بر میزان ارتباطات انجام شده با کنشگر تأکید دارد (ارتباطی که دیگر کنشگران با وی داشته‌اند) درحالی‌که پیوندهای برون‌درجه‌ای مقدار ارتباط انجام شده به وسیله خود کنشگر را نمایش می‌دهد. بالاتر بودن دو رقم بالا برای مهندس بازرگان به دلیل حضور بیشتر دانشجویان در مسجد و ارتباط گسترده آنان با شخص آقای بازرگان ارزیابی می‌شود. در واقع بخش اصلی فعالان سیاسی مسجد را دانشگاهیان، به ویژه دانشجویان تشکیل می‌دادند که با هر دو رأس شبکه در ارتباط بودند (لازم به ذکر است این ارتباط با شخص مهندس بازرگان بیشتر بوده است)، اما خوشه دیگری در شبکه وجود دارد که متشکل از بازاریان، کسبه و روحانیون است. این خوشه که دربرگیرنده اقدار سنتی جامعه است، ارتباط مستقیمی با شخص آیت‌الله طالقانی دارد و چرایی آن را باید در دو نوع هم‌ریختگی ارزشی^۳ و اجتماعی^۴ میان روحانیون و طبقه متوسط سنتی جستجو کرد که سبب تشکیل پیوند قوی‌تر میان آنان شده است. به تعبیر دقیق‌تر این سرمایه اجتماعی انباشته شده در شبکه فعالان سیاسی مسجد هدایت می‌تواند پاسخ دهد که چرا پس از وقوع انقلاب، روحانیان از سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردار بودند و در نتیجه به گفته پاتنام در هنجارسازی، موفق‌تر از سایر جریان‌های سیاسی عمل کرده‌اند. توضیح موارد بالا در شکل شماره (۳) بهتر قابل تشخیص است.

در این شکل مؤلفه^۵ «الف» دانشگاهیان، مؤلفه «ب» بازاریان و روحانیون و مؤلفه «پ» فعالان سیاسی و اعضای مرتبط با احزاب هستند. همان‌گونه که مشاهده

1. Out-Degree
2. In-Degree
3. Value Homophile
4. Status Homophile
5. Component

می‌شود، آیت‌الله طالقانی میان این دو مؤلفه نقش اتصال‌گر کرانه را داشته است که در واقع محل اتصال دو خوشه درون شبکه اجتماعی فعالان سیاسی مسجد هدایت نیز تلقی می‌شود؛ این درحالی است که مهندس بازرگان به‌طور غیرمستقیم با قشر سنتی مسجد در ارتباط بوده و عموم مبادلات وی معطوف به دانشگاهیان شده است. شکل زیر براساس الگوریتم *Harel-Koren Fast Multi-Scale* ترسیم شده است. لازم به ذکر است الگوریتم اشاره‌شده گونه‌ای متفاوت با الگوی پیشین دارد. این الگوریتم هم برای گراف‌های بزرگ و هم برای گراف‌های کوچک کاربرد دارد و آنچه بیش از هر چیز در آن دارای اهمیت است، جنبه‌های زیبایی‌شناختی ترسیم یک گراف است.^(۵) بر همین اساس، در راستای استفاده از کیفیت بهتر برای نمایش الگوی ارائه‌شده و بهره‌گیری از افق دید مناسب‌تر برای ارزیابی گراف، از این الگوریتم استفاده شده است.

شکل شماره (۳). شبکه اجتماعی فعالان سیاسی مسجد هدایت (کنشگر کانونی سمت راست مهندس بازرگان و کنشگر کانونی سمت چپ آیت‌الله طالقانی است)



نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر تلاش شد تا بحث جدیدی درباره مفهوم سرمایه اجتماعی و رابطه آن با قدرت سیاسی در وضعیت پساانقلابی گشوده شود. در این راستا انقلاب

اسلامی ایران برای بررسی هرچه بیشتر، مورد تحقیق و واریسی قرار گرفته است. اساساً تصور سرمایه اجتماعی بدون در نظر گرفتن شبکه اجتماعی سازنده سرمایه، امکان پذیر نیست. بر همین اساس نقش شبکه اجتماعی مساجد کشور، که شبکه‌ای حقیقی محسوب می‌شود، برای تولید سرمایه اجتماعی برای نیروهای اجتماعی و سیاسی فعال، پیش از انقلاب بررسی شد. ابتدا شبکه مساجد کشور در دو بخش شهرستان‌ها و شهر تهران مورد توجه قرار گرفت. نتیجه به دست آمده مؤید آن است که کارکرد سیاسی مساجد شهرستان‌های کشور در محدوده جغرافیایی خاصی بوده و از تنوع و تکثر کارکردی کمتری نسبت به مساجد تهران برخوردار هستند. همچنین برای بررسی دقیق‌تر مساجد شهر تهران، کارکرد سیاسی یکی از فعال‌ترین مساجد آن زمان - یعنی مسجد هدایت - مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده از تحلیل شبکه مسجد هدایت حاکی از آن است که شبکه اجتماعی فعالان سیاسی این مسجد، ماهیتی رهبرمحور داشته است و اصلی‌ترین کنشگر آن نیز مرحوم آیت‌الله طالقانی است. بررسی عملکرد سیاسی شبکه مسجد با توجه به شاخص مرکزیت بینیت دلالت بر آن دارد که کنشگر اصلی و مرکزی شبکه توانسته است میان گره‌ها، مؤلفه‌ها و تارک‌های بیشتری ارتباط برقرار کند و این امر سبب افزایش سرمایه اجتماعی وی شده است. بر همین اساس طبق نظر پاتنام می‌توان استدلال کرد که توانایی شخص مذکور برای هنجارسازی در شبکه بیش از سایر افراد تلقی می‌شود. برقرار کردن ارتباط میان دو قشر طبقه متوسط، یعنی دانشجویان و دانشگاهیان با بازاریان و روحانیون توسط آیت‌الله طالقانی به کمک ساختار شبکه‌ای مسجد هدایت باعث انباشت سرمایه بیشتر برای روحانیون، به دلیل هم‌ریختگی ارزشی و پایگاهی میان آنان و رهبر شبکه شده است و به همین دلیل امکان هنجارسازی بیشتر را برای آنان فراهم کرده است. حال در وضعیت خلأ قدرت - یعنی شرایط پس از انقلاب - نقش نیروهای اجتماعی که دارای سرمایه اجتماعی یا به تعبیری شبکه اجتماعی سازمان‌یافته‌تری هستند، در ایجاد هنجارسازی در جامعه نمود بیشتری می‌یابد. با توجه به اینکه در شرایط پس‌انقلابی هیچ قانونی وجود نداشته و اساساً منبع مشروعیت‌داری برای وضع قانون و نظم‌سازی وجود ندارد زیرا هنوز قدرت فائده‌ای بر جامعه مسلط نشده است - آن نیروی اجتماعی که

قدرت هنجارسازی بیشتری دارد می‌تواند در قدرت‌سازی‌های بعدی موفق عمل کرده و به تکوین ساختار و نظم سیاسی مطلوب خود اقدام کند. از آنجاکه قدرت هنجارسازی در اختیار آن نیروی اجتماعی خواهد بود که سرمایه اجتماعی بیشتر و شبکه منسجم‌تری در درون جامعه داشته باشد، می‌توان بر نقش و عملکرد سیاسی روحانیت به‌عنوان میراث‌دار اصلی سرمایه اجتماعی مساجد، در تکوین نوع ساختار سیاسی کشور پس از انقلاب اسلامی صحنه گذاشت. همچنین مقاله حاضر بر این مدعا است که توانسته است امکان پیش‌بینی‌پذیری بیشتری را برای برخی از پدیده‌های سیاسی مرتبط با بحث شبکه‌ها و سرمایه اجتماعی همچون انقلاب‌های سیاسی فراهم کند. در واقع شناخت بهتر این مسئله می‌تواند این امکان را برای محققان علوم سیاسی و حتی سیاستمداران فراهم سازد که درباره تشخیص خود در مورد تحولات آتی کشورهای دستخوش تغییرات سیاسی اساسی، از جمله تحولات جاری جهان عرب، با دقت نظر بیشتری اظهار نظر کنند.*



پی‌نوشت‌ها

۱. مفهوم سرمایه فرهنگی استعاره‌ای بود که بوردیو در مقاله «بازتولید فرهنگی و اجتماعی در ۱۹۷۳» مطرح کرد. استدلال وی بر این مدعا حاکم بود که پدران و مادران طبقه متوسط به فرزندانشان نوعی سرمایه فرهنگی که شامل نوعی توانش فرهنگی و زبانی است منتقل می‌کنند که این امر به حفظ نابرابری سلسله‌مراتبی در یک اجتماع انسانی، مشروعیت می‌بخشد.
۲. برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به سایت مرکز آمار ایران به نشانی: (تاریخ: مرداد ماه ۱۳۹۲)

<http://amar.sci.org.ir/Detail.aspx?Ln=F&no=76128&S=GW>

۳. تصویر از سایت www.maps.google.com گرفته شده است.
۴. طبیعتاً تحقیق و بررسی درباره ماهیت و چگونگی تأثیرگذاری شبکه‌های اجتماعی مجازی در تحولات سیاسی کشورهای عربی خاورمیانه از اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد (موسوم به بهار عربی یا بیداری اسلامی) نیازمند انجام پژوهشی مستقل از بحث کنونی است. در نتیجه صرفاً برای مشخص شدن تمایز میان شبکه اجتماعی حقیقی و مجازی به آن اشاره شده است؛ و بر همین اساس از اظهارنظر درباره پدیده مذکور پرهیز می‌شود.
۵. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، پیشین، جلد اول و دوم. برخی از اسناد مورد استفاده به‌طور تفکیک‌شده برای احزاب سیاسی: ۲۰/۱۰۲۸۹ ه؛ ۳۱۱/۶۸ س = ن؛ ۳۱۶/۳۵۱؛ ۳۰۳۴ ط س ت؛ ۳۱۲/۳۹۹۹؛ برخی از اسناد مربوط به دانشجویان: ۳۱۲/۱۸۹۴؛ ۳۱۲/۱۹۵۰؛ ۳۱۲/۲۷۱۷؛ برخی از اسناد مربوط به کسبه محل: ۲۰/۱۱۹۶۰ ه؛ ۳۱۶/۱۷۴۸؛ برخی از اسناد مربوط به شخصیت‌های سیاسی و روحانیون: ۱۰۰۳/ س ت م؛ ۱۲۷۲۶؛ همچنین رجوع کنید به: جلیل امجدی، پیشین، اسناد شماره ۵، ۶، ۱۴، ۲۳ و ۲۹-۲۵.

منابع

- اخلاقی، محمدعلی (۱۳۸۴)، *سازمان روحانیت شیعه*، تهران: شیعه‌شناسی.
- امجدی، جلیل (۱۳۸۷)، *تاریخ شفاهی مسجد هدایت*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بروگمن، یرون (۱۳۸۹)، *درآمدی بر شبکه‌های اجتماعی*، ترجمه خلیل میرزایی، تهران: جامعه‌شناسان.
- توحیدفام، محمد؛ حسینیان امیری، مرضیه (تابستان ۱۳۸۸)، «تلفیق کنش و ساختار در اندیشه گیدنز، بوردیو و هابرماس و تأثیر آن بر جامعه‌شناسی جدید»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال چهارم، شماره سوم.
- زیباکلام، صادق (۱۳۸۷)، *مقدمه‌ای بر انقلاب اسلامی*، چاپ هفتم. تهران: انتشارات روزنه.
- سلیمی، حشمت‌الله (۱۳۸۶)، *مبارزات روحانیون و وعاظ مساجد به روایت ساواک*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی. سند شماره ۲۰۴.
- طالقانی، مهدی (۱۳۸۸)، «سندی نویافته پیرامون مسجد هدایت»، *پیام بهارستان*، سال دوم شماره ۵.
- فوران، جان (۱۳۸۲)، *نظریه پردازی انقلاب‌ها*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- فیلد، جان (۱۳۸۸)، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضوانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر.
- کلمن، جیمز (۱۳۸۹)، «نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی»، *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، گردآورنده: کیان تاجبخش، تهران: نشر شیرازه.
- کیا، علی‌اصغر؛ محمودی، عبدالصمد (۱۳۹۰)، «نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب تونس»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۲۸۳.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳)، *تبیین در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- مارشال، گوردون (۱۳۸۸)، *فرهنگ جامعه‌شناسی آکسفورد*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: نشر میزان، واژه Cultural Capital.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات (۱۳۸۹)، *مسجد هدایت به روایت اسناد ساواک*، تهران: پایگاه اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- میرمحمد صادقی، میلاد (۱۳۹۱)، *تحلیل شبکه اجتماعی با NodeXL*، تهران: انتشارات دانشگاهی کیان.

Barbieri, Paolo (2003), "Social Capital and Self-Employment: A Network Analysis Experiment and Several Considerations", *International Sociology*, Vol.18, pp.681-701.

Belloni, Roberto (2009), "Shades of Orange and Green: Civil Society and Peace Process in Northern Ireland", in: *Social Capital and Peace Building*, London: Routledge, pp. 5-21.

Carrington, Peter J., Scott, John & Wasserman, Stanley (2005), *Models and Methods in Social Network Analysis*, Published in New York by: Cambridge University Press, p. 24-26.

Cox, Michaelene (2009), "Reporting the Greater Odds: Dissent and Militancy among Trusting East-Central European Citizens", in: *Social Capital and Peace Building*, London: Routledge, pp. 22-36.

Cuesta, Jose (2009), "Social Capital, Crime and Welfare: The Case of Colombia and Honduras", in: *Social Capital and Peace Building*, London: Routledge, pp. 37-56.

Esposito, John (1999), *The Islamic Threat: Myth or Reality 3rd Edition*, New York: Oxford University Press, p. 114.

Fleisher, Mark S. (2005), "Fieldwork Research and Social Network Analysis: Different Methods Creating Complementary Perspectives", *Journal of Contemporary Criminal Justice*, Vol.21, pp. 120-134.

Gilbert, Leah (2009), "Analyzing the Dark Side of Social Capital: Organized Crime in Russia", in: *Social Capital and Peace Building*, London: Routledge, pp. 57-74.

Harel, David & Koren, Yehuda (2001), "A Fast Multi-Scale Method for Drawing Large Graphs", in: *Graph Drawing: 8th International Symposium*, Colonial Williamsburg, pp. 183-196(2).

Kepel, Gilles (2006), *Jihad: the Trail of Political Islam*, Translated by: F. Roberts, London: I. B. Tauris, p. 65.

Kilduff, Martin & Tsai, Wenpin (2003), *Social Networks & Organizations*, London: Sage, pp. 29-30, 139.

Nan Lin (2004), *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*, Cambridge: Cambridge University Press, P. 29.

O`Malley, James & Marsden, Peter (2008), "The Analysis of Social Networks", *Health SERV Outcomes Res Method*, Vol.8, pp.222-269.

Putnam, Robert D. (2001), *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, New York: Simon & Schuster, pp. 33-39.

- Reimer, Bill & et al. (2008), "Social Capital as Social Relations: The Contribution of Normative Structures", *Sociological Review*, Vol.56, pp.256-274.
- Rosenstone, Steven and Hansen, John (1993), *Mobilization, Participation, and Democracy in America*, New York: MacMillan Publishing Company.
- Ryan, Louise & et al. (2008), "Social Network, Social Support and Social Capital: The Experience of Recent Polish Migrant in London", *Sociology*, Vol.42, pp. 672-690.
- Vahdat, Farzin (2003), "Post-Revolutionary Islamic Discourses on Modernity in Iran: Expansion and Contradiction of Human Subjectivity", *International Journal of Middle East Studies*, Vol.35, pp.599-631.
- Verba, Sidney & Nie, Norman (1972), *Participation in America: Political Democracy and Social Equality*, New York: Harper & Row.

